

راهبرد ملی توسعه پایدار: چالش‌ها و فرصت‌ها

یوسف مولایی^۱

استادیار گروه روابط بین‌الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

جواد امین منصور

دانش آموخته دکتری روابط بین‌الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۷/۲۶ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۶/۱۰/۹)

چکیده

به‌منظور مقابله با چالش‌های معاصر فراروی بشر همچون توسعه اقتصادی لجام‌گسیخته، نابرابری‌ها، فقر و گرسنگی، و تخریب محیط زیست، جامعه بین‌المللی «توسعه پایدار» را به‌عنوان یک راه‌حل و فرایند، با سه رکن توسعه اقتصادی، توسعه اجتماعی و حفاظت از محیط زیست که بر هم اثر متقابل دارند، پذیرفت. در این زمینه، نمایندگان دولت‌ها با همکاری جوامع مدنی، «اهداف توسعه هزاره» و «اهداف توسعه پایدار» را در طی فرایندهای مذاکره‌ای دشوار در دو مرحله تهیه و تصویب کردند. بر همه دولت‌ها فرض است که به‌منظور تأمین منافع ملی و حفظ ارزش‌های جوامع خود از یک‌سو و همکاری و مشارکت در تحقق توسعه پایدار در چارچوب تلاش‌های بین‌المللی از سوی دیگر، «راهبردهای ملی توسعه پایدار» را تهیه و تصویب کنند. روشن است که دولت‌ها در این فرایند درازمدت پیچیده با چالش‌ها و فرصت‌هایی روبه‌رو خواهند شد که لازمه موفقیت در آنها، مشارکت مردم در روند تصمیم‌گیری و اجرا و همچنین همکاری کامل در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی است. توصیه می‌شود که دولت ج. ا. ایران نیز به‌منظور مقابله با بحران‌های گوناگون اقتصادی، اجتماعی و محیط زیست پیش رو و همگام با بسیاری از دولت‌های دیگر، یک راهبرد ملی جامع توسعه پایدار متناسب با منافع ملی و ارزش‌های خاص خود را تهیه و اجرا کند.

واژه‌های کلیدی

اقتصاد سبز، اهداف توسعه پایدار، اهداف توسعه هزاره، پایداری، توسعه پایدار، محیط زیست.

طرح مسئله و زمینه‌جویی

واژه توسعه پایدار^۱ در سال ۱۳۶۶ توسط کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه^۲، موسوم به کمیسیون بروتلند، به‌عنوان روشی برای مقابله با چالش‌های بزرگ دوران معاصر طراحی و همچون بسیاری از راه‌حل‌های دیگر، واکنش‌ها و دیدگاه‌های متفاوتی را از سوی دولت‌ها از جمله دولت ج. ا. ایران سبب شد. برای رهایی از درجا زدن یا کم‌حرکی ناشی از تفاوت دیدگاه‌ها، باید نگرشی واقع‌بینانه و مبتنی بر منافع ملی و ارزش‌ها به موضوع داشت و سپس حرکتی خردمندانه را آغاز کرد که در آن مصالح و سعادت مردم کشور به‌طور خاص و منافع جمعی مردم جهان نهفته باشد. هرچند مرزبندی دقیق بین دیدگاه‌ها دشوار است، می‌توان با توجه به نوع آنها اذعان کرد که گروهی خواهان تحقق توسعه پایدار در کشور از طریق همراهی با حرکت جمعی دولت‌ها در قالب سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی با مشارکت در فرایندهای مذاکراتی و همکاری در اجرا هستند. آنها توسعه و محیط زیست را چالشی جهانی می‌دانند که عزمی ملی و راه‌حلی جهانی را می‌طلبند. گروه دوم، با بدبینی مفرط به طرف‌های خارجی در فرایندهای مذاکراتی و اجرا، خواهان تکیه بر مسیر توسعه با اتکا به طرح‌ها و منابع داخلی هستند. چالش نظری فعلی در کشور، تقابل مستمر این دو نگرش است که به بی‌حرکی یا حرکت‌های کور، بی‌هدف، و غیرهمسو منجر شده و مملو از زیان‌های ناخواسته و پیش‌بینی‌نشده است. در این مقاله تلاش می‌شود راه‌حلی میانه ارائه شود که ترکیبی از این دو دیدگاه است.

توسعه پایدار به مفهوم توسعه اجتماعی و اقتصادی همراه با رعایت ملاحظات محیط زیستی است و به‌عنوان راه‌حل مشترک جامعه بین‌المللی برای مقابله با چالش‌های موجود نظیر تخریب روزافزون محیط زیست و بروز آسیب‌های متعدد اجتماعی در اثر توسعه اقتصادی انجام‌گسیخته و نیز وسیله‌ای برای دستیابی به سعادت و خوشبختی در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی به‌طور مکرر مطرح شده است. بنابر نظر کمیسیون بروتلند، براساس توسعه پایدار، سیستم‌های طبیعی که حیات روی کره زمین، جو، آب، خاک و دیگر موجودات را حمایت می‌کنند، نباید در معرض آسیب باشند (WCED, 1987: 45). در گزارش بروتلند همچنین آمده که ما باید توسعه‌ای را که نیازهای نسل حاضر را برآورده می‌کند، بدون مصالحه توانایی نسل‌های آینده برای برآورده کردن نیازهایشان ارتقا دهیم (WCED, 1987: 43). توسعه آن است که همه ما انجام می‌دهیم تا امور خود را بهبود بخشیم. توسعه و محیط زیست قابل جدا شدن از هم نیستند (WCED, 1987: xi).

1. Sustainable Development
2. World Commission on Environment and Development

از نظر براندون و لومباردی، توسعه پایدار از مهم‌ترین واژه‌های تأثیرگذار در سده بیست‌ویکم است که در آن ابعاد مختلفی از زندگی انسان و طبیعت در قالب چهار اصل مورد توجه‌اند. از دیدگاه آنان، اصول انصاف و آینده‌نگری جنبه اخلاقی دارند. اصل سوم به‌طور صریح مربوط به محیط زیست است و چهارمین اصل به مشارکت و نحوه اجرا اشاره دارد. با آنکه محیط زیست خود یک اصل تلقی می‌شود، سه اصل دیگر یادشده بر محیط زیست مؤثرند. موضوع توسعه پایدار، ابعاد اجتماعی، حقوقی، اقتصادی، سیاسی و فنی نیز دارد (Brandon & Lombardi, 2005: 8). از نظر جفری ساکس، توسعه پایدار تلاشی برای معنا بخشیدن به هم‌گش‌های سه سیستم پیچیده، یعنی اقتصاد جهانی، جامعه جهانی و محیط فیزیکی زمین است. توسعه پایدار همچنین نگاهی هنجاری به جهان است؛ به این معنا که مجموعه اهدافی را پیشنهاد می‌کند که دنیا باید آرزو کند. در این مفهوم هنجاری-اخلاقی، توسعه پایدار مستلزم دنیایی است که در آن پیشرفت اقتصادی فراگیر است، فقر مطلق محو می‌شود، وحدت اجتماعی از طریق سیاست‌هایی که اجتماع را تقویت می‌کند تشویق می‌شود و محیط زیست از تخریب ناشی از دخالت بشر مصون می‌ماند (ساکس، ۱۳۹۳: ۱۶).

در این نوشتار فرض بر آن است که منابع طبیعی گره زمین میراث مشترک بشری است، نابودی آنها چالش مردم همه کشورهاست و همکاری جمعی دولتمردان و جوامع مدنی برای توقف و معکوس کردن این روند، و حرکت در مسیر توسعه پایدار با تهیه راهبرد ملی توسعه پایدار^۱ توسط دولت‌ها ضروری است. روش به‌کارگرفته‌شده در این نوشتار توصیفی-تحلیلی بوده است و در تهیه آن از اخبار، اسناد و آمارهای موجود در تارنماها، مقاله‌ها و کتاب‌های مربوط به توسعه پایدار و محیط زیست استفاده شده است. در این مقاله، نارسایی‌ها و چالش‌های ملی و جهانی مطرح شده و سپس روندها و گرایش‌های موجود در فضای سیاسی بین‌المللی، اهداف توسعه هزاره، اهداف توسعه پایدار، و سیاست‌ها و اقدام‌های دولت ایران در سطوح ملی و بین‌المللی در زمینه توسعه پایدار تشریح می‌شوند.

روند شکل‌گیری رژیم‌های بین‌المللی در زمینه توسعه پایدار و محیط زیست با برگزاری کنفرانس محیط زیست انسانی ملل متحد در سال ۱۳۵۱ در استکهلم سوئد و با تدوین کنوانسیون رامسر در خصوص تالاب‌ها^۲ در سال ۱۳۴۹ در رامسر ایران شتاب گرفت. پس از آن، گردهمایی‌های کارشناسی و عالی‌رتبه متعددی برگزار شد و در طی فرایندهای مذاکره‌ای، بیانیه‌های سیاسی و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی متعددی در زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی، و محیط زیستی تدوین شد و مورد پذیرش دولت‌ها قرار گرفت. بدیهی است که مشکلات رو

1. National Strategy for Sustainable Development
2. Ramsar Convention on Wetlands

به تزايد جامعه بشری به‌ویژه در عرصه‌های محیط زیستی و اجتماعی و اقتصادی، بستر زاینده نگرانی‌ها، واژه‌ها و مفاهیم نو، و در نهایت توافق‌نامه‌هایی هستند که در طی فرایندهای مذاکراتی مکرر در گردهمایی‌های بین‌المللی به‌دست آمده‌اند.

جالب توجه آن که از سال ۱۳۷۱ به بعد، «توسعه پایدار» در همه اسناد منطقه‌ای و بین‌المللی اهمیت محوری پیدا کرد و بر اهمیت آن افزوده شد. به‌رغم تبادل نظرهای فراوان، تصمیم‌های متعدد و شرکت نمایندگان دولت‌ها و جوامع مدنی در مباحث و روندهای تصمیم‌گیری، هنوز چگونگی، گستره و ضرورت به‌کارگیری توسعه پایدار در راهبردها، قوانین و اقدام‌ها در عرصه‌های داخلی و خارجی برای بسیاری روشن نیست و از این‌رو تلاش و همکاری برای پیشبرد آن در سطحی مطلوب مشاهده نمی‌شود.

از عوامل مختل‌کننده روند همکاری بین‌المللی و پیشرفت در این زمینه، تأکید نامتوازن گروه‌های ذی‌نفع شامل دولت‌ها، سازمان‌های مردم‌نهاد، بخش خصوصی و غیره بر یک یا دو رکن از ارکان سه‌گانه توسعه پایدار است. برای اکثریت دولت‌های در حال توسعه و آمریکا، بُعد اقتصادی توسعه پایدار مهم‌تر است. وجه مشترک مواضع کشورهای توسعه‌یافته و به‌صورتی ضعیف‌تر برخی کشورهای در حال توسعه به‌ویژه در منطقه آمریکای لاتین، توجه به بُعد اجتماعی از جمله حقوق بشر است. همچنین تأکید اتحادیه اروپا و بخشی از کشورهای در حال توسعه از جمله کشورهای جزیره‌ای کوچک و برخی کشورهای واقع در آمریکای مرکزی بر محیط زیست و به‌ویژه تغییر آب‌وهوا، شایان تأمل است. باید در نظر داشت که در برهه زمانی کنونی، زندگی بسیاری از مردم جهان با بهره‌برداری از علم و دانش و شبکه‌های ارتباطی دیجیتالی دچار تحول شده و با برخورداری از آگاهی و آسایش بی‌سابقه، آنها انتظارات بیشتری از زمامداران برای مقابله با چالش‌های دوران معاصر و آینده دارند.

در این زمینه، شرح مختصری از شکایت یک شهروند ترک به دادگاه حقوق بشر اروپا در خصوص فعالیت‌های توسعه‌ای توأم با سوءمدیریت پسماندهای شهرداری محل اقامتش در کشور ترکیه و رأی دادگاه در مورد حقوق مردم به‌جا خواهد بود. آنریلدیز^۱ شکایتی درخصوص تأثیرات منفی انفجار گاز در تأسیسات مربوط به پسماند شهرداری بر سلامت و حق حیات مردم تسلیم دادگاه کرد (ECHR, 2004). دادگاه در این زمینه، نقض ماده ۲ کنوانسیون حقوق بشر اروپا را تشخیص داد و تصریح کرد که طبق ماده (۱) ۲ دولت‌ها نه تنها باید از گرفتن جان‌ها به‌طور عمدی یا غیرقانونی خودداری کنند، بلکه باید حق حیات را به‌طور کلی تضمین کنند. همچنین از دولت‌ها خواسته شد که در برخی شرایط مشخص، برای تضمین حفظ جان مردم در قلمرو خود قدم‌های مناسبی بردارند. نکته شایان تأمل در حکم دادگاه،

1. Case of Oneryildiz v. Turkey

رابطه‌ای است که قاضی بین یک موضوع محیط زیستی، حق حیات، سلامت مردم به‌عنوان موضوعی اجتماعی، و وظایف زمامداران نظیر دولت و شهرداری در این زمینه برقرار کرده است.

خلاصه آنکه می‌توان با استفاده از فرصت و با در پیش گرفتن سیاست‌های مناسب مبتنی بر منافع و ارزش‌های مشترک به همکاری بین‌المللی در زمینه توسعه پایدار پرداخت؛ چراکه مردم جهان دچار مشکلات فراوانی در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و محیط زیستی هستند و تخریب طبیعت بر ناملایمات افزوده است. بدیهی است که اگر چاره‌جویی و اقدام قاطع مشترکی صورت نگیرد، بشر و زیستگاهش کُره زمین با همه پیشرفت‌ها و تحولات به‌دست‌آمده در طی هزاران سال، با سرعت رو به نابودی خواهد رفت.

چالش‌های جهانی

با گذشت زمان و شتاب در روند توسعه و ارتقای سطح بهداشت، نرخ رشد جمعیت کُره زمین نیز افزایش یافته و بهره‌برداری بیشتری از طبیعت صورت گرفته است. جنگ‌های جهانی و منطقه‌ای هم در تخریب محیط زیست جهان مؤثر بودند. به‌رغم جنبه‌های مثبت تحولات و افزایش چشمگیر رفاه و استانداردهای زندگی، اقدامات بشری آثاری منفی چون آسیب‌های اجتماعی، بحران‌های اقتصادی و تخریب تدریجی محیط زیست داشت و در آن چارچوب، بروز چالش‌های جدیدی چون کمبود آب شیرین، آسیب به چرخه حیات گونه‌های جانوری و گیاهی، امنیت خوراکی، آلودگی آب‌وهوا و خاک، بیابان‌زایی، از بین رفتن منابع طبیعی تجدیدنپذیر، رهاسازی و تجمع بیش از حد گازهای گلخانه‌ای در فضا و نیز پدیده گرمایش زمین را در پی داشت.

براساس پیش‌بینی‌ها، حدود نیمی از جمعیت جهان که بیشتر ساکن کشورهای دچار کمبود آب هستند، تا سال ۱۴۲۹ (۲۰۵۰) به دلیل نداشتن منابع طبیعی لازم برای کشت و از سوی دیگر رشد جمعیت و افزایش تقاضا نیازمند واردات مواد خوراکی خواهند شد (Bonn Conference Doc., 2011: 34). سازمان سلامت جهانی^۱ در سال ۱۳۹۵ (۲۰۱۶)، مقدار آلودگی در ۳۰۰۰ شهر در ۱۰۳ کشور جهان را بررسی کرد. نتیجه آنکه بیش از ۸۰ درصد ساکنان مناطق شهری در معرض آلودگی هوای فراتر از حد مجاز تعیین‌شده توسط سازمان قرار داشتند. گزارش می‌افزاید که ۹۸ درصد شهرها در کشورهای با درآمد متوسط و کم، با جمعیتی بیشتر از یکصد هزار نفر، رهنمودهای سازمان در زمینه کیفیت هوا را رعایت نکرده‌اند. بیشترین درصد آلودگی هوا در شهرهای مناطق شرق مدیترانه، جنوب شرق آسیا و اقیانوسیه

1. World Health Organization

غربی مشاهده شده که حدود پنج تا ده برابر حد مجاز بود. شایان توجه آن که با کاهش کیفیت هوا در شهرها، خطر سکنه، بیماری‌های قلبی، سرطان ریه و امراض تنفسی شامل آسم برای ساکنان شهرهای تحت مطالعه افزایش می‌یابد (WHO Air Quality Report, 2016).

بنابر گزارش سازمان سلامت جهانی، تعداد کشورهای دچار کم‌آبی در جهان ممکن است تا سال ۱۳۰۹ (۲۰۳۰) به ۳۰ کشور برسد (WHO, 1998). نتایج تحقیقات مؤسسه فناوری ماساچوست^۱ با عنوان: «خلیج فارس ممکن است گرمای گشوده‌ای را تجربه کند»، نشان می‌دهد که اگر روند فعلی انتشار گازهای گلخانه‌ای در جهان به همین صورت ادامه یابد، دمای گشوده‌ای در منطقه خلیج فارس به راه خواهد افتاد (Chandler, 2015). براساس نتایج تحقیقات دیگری با عنوان: «ابتکار فائو» درخصوص «کمیابی آب در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا»، کشورهای دچار کمبود آب شیرین با چالش‌های بیشتری در تضمین امنیت خوراکی روبه‌رو هستند. رابطه‌ای قوی بین تولید خوراک و مصرف آب وجود دارد. با توجه به ارتباط موضوعی بین محیط زیست و امور اجتماعی و اقتصادی و نیز ضرورت هم‌افزایی میان بخش‌ها، به رهیافتی نوآورانه درباره خوراک و کشاورزی برای تحقق اهداف توسعه پایدار نیاز است (FAO, 2017). گزارش سازمان خواربار و کشاورزی می‌افزاید که خاورمیانه و شمال آفریقا از سخت‌ترین شرایط کمیابی آب رنج می‌برند. چشم‌اندازهای میان‌مدت و درازمدت نشان می‌دهد که منطقه در دهه‌های آینده بنا به عللی چون تغییر آب‌وهوا^۲ و در نتیجه خشکسالی‌های شدید و مکرر، رشد جمعیت، گسترش شهرها، افزایش تقاضا برای خوراک و انرژی، و توسعه اقتصادی-اجتماعی، دچار تشدید مشکل کمیابی آب خواهد شد که آسیب‌ها را در منطقه چندبرابر می‌کند. این در حالی است که کشاورزی برای خاورمیانه و شمال آفریقا از دو بُعد اقتصادی و اجتماعی حیاتی است. به جز کشورهای صادرکننده نفت، کشاورزی به‌طور متوسط تأمین‌کننده حدود ۱۵ درصد تولید ناخالص ملی منطقه است که برای ۴۰ درصد جمعیت فعال اقتصادی شغل و درآمد ایجاد می‌کند. از این‌رو، برای کشورهای منطقه، سرمایه‌گذاری در زمینه کشاورزی پایدار از هر نظر، حتی از نظر سیاسی هم مهم است. مطالعات فائو نتیجه می‌گیرد که برنامه‌های فعلی افزایش کارایی مصرف و کارایی استفاده از آب و دیگر منابع در منطقه به‌تنهایی کافی نیست و تغییرات ساختاری در نحوه بهره‌برداری از منابع آب در کشاورزی نیز ضروری است.

1. Massachusetts Institute of Technology
2. Climate Change

روندها و گرایش‌ها در فضای سیاسی بین‌المللی

کنفرانس محیط زیست و توسعه ملل متحد در سال ۱۳۷۱ (۱۹۹۲) با پذیرش رسمی «توسعه پایدار» به‌عنوان یک راه‌حل جامع برای چالش‌های بشری، درحقیقت اولین واکنش جمعی سران جهان به فقر و گرسنگی و بی‌سوادگی گسترده، توسعه‌نیافتگی در بخش بزرگی از کره زمین، رشد بی‌رویه اقتصادی، تخریب طبیعت و نابودی شتاب‌آلود منابع طبیعی، بیماری‌ها و مرگ‌ومیرهای قابل جلوگیری، نادیده گرفته شدن آشکار حقوق انسانی در فضای مساعدتر سیاسی بین‌المللی بعد از جنگ سرد بود. برای بهبود وضعیت، سازوکارهایی چون کمیسیون توسعه پایدار ملل متحد و تشکیلات جهانی محیط زیست تشکیل شد تا در کنار نهادهای دیگر موجود و با بهره‌گیری از مفاد موافقت‌نامه‌های محیط زیستی، اجتماعی، اقتصادی و حقوق بشری به فرایند هنجارسازی و اجرا در روابط بین‌المللی کمک کنند. به‌منظور سرعت بخشیدن به این روند و امکان ارزیابی آن، در طی اجلاس سران هزاره و اجلاس سران توسعه پایدار ملل متحد، به‌ترتیب اهداف توسعه هزاره^۱ و اهداف توسعه پایدار^۲ در آشکال کیفی و کمی تصویب شدند.

اهداف توسعه پایدار، در امتداد اهداف توسعه هزاره

برای بررسی اهداف توسعه پایدار، مروری اجمالی بر اهداف توسعه هزاره ضروری است؛ چراکه اهداف توسعه پایدار براساس دانش و تجربیات جامعه بین‌المللی در تدوین و اجرای اهداف توسعه هزاره بنا شده و در حال اجراست. اهداف توسعه هزاره به دو دسته اهداف کلی و اهداف کمی تقسیم شده‌اند. اهداف توسعه هزاره، شامل ۸ هدف کلی و ۲۱ هدف کمی جزئی برای اجرا در دوره زمانی ۱۳۷۹ تا ۱۳۹۴ (۲۰۰۰ تا ۲۰۱۵) بود. در امتداد آن، اهداف توسعه پایدار با ۱۷ هدف کلی و ۱۶۹ هدف کمی جزئی برای اجرا در دوره زمانی ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۹ (۲۰۱۶ تا ۲۰۳۰) در قالب دستور کار ۲۰۳۰ برای توسعه پایدار^۳ تدوین شد. اهداف توسعه هزاره در حالی تنظیم و تصویب شد که زندگی چند میلیارد انسان با چالش‌هایی چون فقر، مرگ‌ومیر کودکان و زنان، آموزش ناکافی (حتی خردسالان)، تخریب محیط زیست، زندگی اسفبار حاشیه‌نشینان و بیماری‌های مختلف روبه‌رو بودند. چالش‌های یادشده مانع توسعه اجتماعی-اقتصادی و تلاش برای حفظ محیط زیست بودند و جامعه بین‌المللی نیز با گذشت هشت سال از اجلاس سران زمین در ریو، هنوز در ابتدای مسیر ناهموار و پر از ابهام توسعه پایدار بود. اهداف توسعه هزاره در زمینه‌های کاهش فقر، کاهش مرگ‌ومیر و آموزش

1. Millennium Development Goals
2. Sustainable Development Goals
3. Agenda 2030 for Sustainable Development

کودکان، توانمندسازی زنان، بهبود سلامت مادران، کاهش شمار افراد مبتلا به ایدز و دیگر بیماری‌ها، پایداری در محیط زیست و توسعه مشارکت جهانی برای توسعه‌اند.

در این زمینه، آگاهی از ارزیابی سازمان ملل متحد از پیشرفت‌های حاصل از پانزده سال تلاش جامعه بین‌المللی برای تحقق اهداف توسعه هزاره جالب توجه است (Millinum Development Goals Report, 2015: 4-7). براساس گزارش سازمان، تعداد افراد دچار سوءتغذیه یا گرسنگی از سال ۱۳۶۹ تاکنون (زمان ارائه گزارش) از $\frac{23}{3}$ درصد به $\frac{12}{9}$ رسید. به‌رغم افزایش جمعیت، شمار مرگ‌ومیر کودکان زیر پنج سال در جهان در دوره زمانی مشابه از ۹۰ کودک به ۴۳ کودک در هزار رسید. میزان مرگ‌ومیرهای قابل پیشگیری ناشی از زایمان ۴۵ درصد کاهش یافت. تعداد کودکان محروم از مدرسه از ۱۰۰ میلیون نفر در سال ۱۳۷۹ به ۵۷ میلیون رسید. با آنکه تعداد بیشتری از دختران نسبت به ۱۵ سال گذشته در مقایسه با پسران تحصیل می‌کنند و تعداد زنان نماینده پارلمان طی ۲۰ سال گذشته دوبرابر شد (از هر پنج نماینده، یک نفر زن است)، زنان همچنان از تبعیض در دسترسی به آموزش، فرصت‌های شغلی و اموال و دارایی رنج می‌برند و خشونت علیه آنان همچنان ادامه دارد.

براساس گزارش، تعداد فقرا کاهش یافت و افراد دارای درآمد زیر $\frac{1}{25}$ دلار در روز از $\frac{1}{9}$ میلیارد نفر در سال ۱۳۶۹ به ۸۳۶ میلیون نفر رسید. افراد حاشیه‌نشین شهری از $\frac{39}{4}$ درصد در سال ۱۳۷۹ به $\frac{29}{7}$ درصد کاهش یافت. در حال حاضر (سال ارائه گزارش)، ۹۱ درصد مردم جهان در مقایسه با ۷۶ درصد سال ۱۳۶۹، به منابع بهبودیافته آب آشامیدنی و $\frac{2}{1}$ میلیارد نفر به بهداشت بهبودیافته دسترسی دارند. تعداد مبتلایان به ایدز از $\frac{3}{5}$ میلیون نفر در سال ۱۳۷۹ به $\frac{2}{1}$ میلیون نفر در سال ۱۳۹۲ کاهش یافت. ترکیبات مؤثر بر تخریب لایه ازن تا سال ۱۳۶۹ حذف شدند و امید می‌رود تا اواسط سده جاری میلادی لایه ازن ترمیم شود. میزان کمک‌های توسعه‌ای کشورهای توسعه‌یافته طی سال‌های ۱۳۷۹ تا ۱۳۹۳، حدود ۶۶ درصد افزایش یافت و به $\frac{135}{2}$ میلیارد دلار رسید. در حال حاضر، ۹۵ درصد جمعیت جهان به خط تلفن و گوشی موبایل دسترسی دارند. بر چالش‌های کنونی باید زیان‌های قابل پیشگیری ناشی از بروز بلایای طبیعی را نیز افزود که از جمله موانع تحقق توسعه پدیدارند.

با خاتمه دوره زمانی اجرای اهداف توسعه هزاره، اجرای اهداف توسعه پدیدار شروع شد که افزایش کمی و کیفی اهداف جدید، بیانگر شدت گرفتن دغدغه‌های مشترک و نیز افزایش تفاهم برای مقابله با آنها از طریق همکاری بود. اهداف هفده‌گانه توسعه پدیدار به‌طور خلاصه شامل محو فقر، خاتمه دادن به گرسنگی، شرایط سلامت و آسودگی، آموزش کیفی، برابری جنسیتی، آب تمیز و رعایت بهداشت، انرژی قابل اکتساب و پاک، کار شایسته و رشد اقتصادی، صنعت و زیرساخت مناسب و نوآوری، کاهش نابرابری‌ها، شهرها و جوامع پدیدار، تولید و

مصرف مسئولانه، اقدام درخصوص آب و هوا، آبیان، موجودات زمین‌زی، صلح، عدالت و نهادهای قوی، و مشارکت برای تحقق اهداف می‌شوند.

واکنش دولت‌ها به تحولات جهانی در زمینه توسعه پایدار

فرایند تهیه، ساختار متن، محتوا و سیر اداری تصویب اسناد مربوط به اهداف توسعه هزاره و اهداف توسعه پایدار به‌گونه‌ای است که برای دولت‌ها تعهدی سیاسی و جزو قوانین نرم^۱ محسوب می‌شود و اجرای آنها به لحاظ حقوقی الزام‌آور نیست. اما به دلیل ضرورت همکاری بین‌المللی برای مقابله با چالش‌های مشترک منطقه‌ای و جهانی نیز تعهدات سیاسی دولت‌ها برای تحقق توسعه پایدار، در پیش گرفتن تمهیداتی ملی برای داخلی کردن اسناد سیاسی بین‌المللی مهم است. از سوی دیگر باید در نظر داشت که اسناد سیاسی چندجانبه در مقایسه با نیازها کامل نبوده و با در نظر گرفتن اولویت‌های هر کشور لزوماً مطلوب نیستند. این وضعیت ایجاد می‌کند که دولت‌ها با تدوین و تصویب راهبردها و سیاست‌هایی، اهداف مربوط به توسعه پایدار را با توجه به منافع، ارزش‌ها و اولویت‌های خود اجرا کنند. در رابطه با مصوبات بین‌المللی توسعه پایدار و داخلی شدن آن، تاکنون دولت‌ها واکنش‌های متفاوتی داشته‌اند که اشاره به برخی از آنها در سال‌های اولیه شایان توجه است.

بعد از انتشار گزارش پروتلند در سال ۱۹۸۷، دانمارک و هلند از نخستین دولت‌هایی بودند که به تدوین برنامه راهبرد ملی توسعه پایدار پرداختند. دولت‌های عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه در مقایسه با دولت‌های دیگر، زودتر صاحب راهبردهای ملی توسعه پایدار و برنامه‌های سبز شدند. بین سال‌های ۱۳۷۰ و ۱۳۷۸، ۱۶ کشور از ۱۸ کشور اروپای شرقی و مرکزی برنامه‌های عمل محیط زیستی خود را تدوین و تصویب کردند. در کشورهای استقلال‌یافته شوروی سابق، این اقدام با تأخیر و با کمک بانک جهانی در اواخر دهه ۱۳۸۰ انجام گرفت. بررسی مقایسه‌ای تدوین راهبردهای ملی در اروپا نشان می‌دهد که گروه دوم کشورها ظرفیت لازم برای تصمیم‌گیری بموقع را نداشتند و درگیر چالش‌هایی چون کمبود منابع مالی، ضعف ساختاری و نارسایی‌های فنی بودند و این عوامل سبب شده که کشورهای یادشده تعهدات سیاسی خود را با تأخیر انجام دهند.

در بخش راهبردهای ملی توسعه پایدار تارنمای سازمان ملل متحد، نشانی تارنماهای حدود ۵۵ کشور در زمینه سیاست‌ها و راهبردهای ملی آنها در زمینه توسعه پایدار ارائه شده است. براساس این دسته از داده‌ها، علاوه بر بیشتر کشورهای اروپایی، شانزده کشور در حال

1. soft law

توسعه شامل تعداد زیادی از کشورهای جزیره‌ای کوچک، در زمینه توسعه پایدار، سیاست‌ها و راهبردهای ملی مصوب دارند (Natioanal Sustaianble Development Strategies, 2017).

وضعیت محیط زیست، روندها و گرایش‌های توسعه‌ای در ایران

کشور ایران روی کمربند خشک^۱ قرار گرفته است؛ این کمربند از شمال غرب آفریقا شروع می‌شود و تا مغولستان و شرق آسیا ادامه دارد. منطقه خاورمیانه از کمترین منابع آب شیرین در جهان برخوردار است. حدود ۹۰ درصد منطقه خاورمیانه خشک، نیمه‌خشک و نیمه‌مرطوب است، ۴۵ درصد کل زمین‌های کشاورزی در معرض شوری بوده و دچار کاهش مواد مغذی خاک و فرسایش در اثر آب و باد است (Inter Press Service, 2017). میانگین بارش‌های سالانه در ایران، کمتر از ۲۵۰ میلی‌متر، یعنی یک‌سوم متوسط جهانی بارش است (آرستی، ۱۳۹۰). با گذشت زمان و به‌علت پدیده گرمایش زمین، میزان فعلی بارش رو به کاهش است. بنابر آمار، در حدود ۳۷ درصد زمین‌های کشور دارای پوشش گیاهی است. آبیاری زمین‌های کشاورزی، ۹۳ درصد منابع آب تجدیدپذیر کشور را مصرف می‌کند. به‌رغم کمبود آب، بخش کشاورزی از مهم‌ترین فعالیت‌های اقتصادی کشور است. این بخش، تأمین‌کننده ۱۸ درصد تولید ناخالص ملی، ۲۰ درصد اشتغال، ۸۵ درصد مواد خوراکی مورد نیاز مردم، ۲۵ درصد محصولات غیرنفتی و ۹۰ درصد مواد خام دارای کاربرد در صنایع مرتبط با کشاورزی در کشور است (Iran's National Report to CSD, 2008-2009: 1). در حدود ۱۱/۲ درصد از زمین‌ها در ایران، کشاورزی؛ حدود ۸/۷ درصد، جنگل؛ ۵۲/۱ درصد، مرتع؛ و ۱۹/۷ درصد، کویر و بیابان است. بقیه زمین‌ها به بخش‌های صنایع و مسکن اختصاص دارند. سرانه جنگل در ایران ۰/۲ هکتار است، درحالی که استاندارد جهانی ۰/۸ هکتار است.

ایران ششمین کشور دچار بلایای طبیعی در جهان در طی دهه گذشته بود. آسیب‌های سالانه ناشی از زلزله و بلایای ناشی از تغییرات آب‌وهوایی مانند خشکسالی، سیلاب و رانش زمین در حدود ۱/۱ میلیارد دلار تخمین زده می‌شود (Second National Communication of Iran to UNFCCC, 2010). در فلات ایران شهرهای بزرگی واقع شده‌اند. دشت کویر در اثر تبخیر آب‌های سطحی محصور در خشکی ایجاد شده است (Sillitoe, Manuel & others, 2014). صرف‌نظر از منطقه سرسبز شمال رشته‌کوه البرز، نقشه جغرافیایی و منابع طبیعی ایران شرایط زندگی خاصی را می‌طلبد که در صورت عدول از آن یعنی بهره‌برداری بی‌رویه از طبیعت شکننده، ویژگی‌های زیستگاهی خود را از دست می‌دهد و ادامه حیات در آن را برای انسان و گونه‌های گیاهی و جانوری غیرممکن می‌سازد. زندگی در ایران در طی سده‌های گذشته از

تحولات داخلی و خارجی به‌ویژه در غرب متأثر شده است. تغییر الگوهای سنتی تولید و مصرف همراه با افزایش بهره‌برداری بی‌رویه از منابع طبیعی در زمین و هوا و آب بدون توجه به ظرفیت‌های موجود سبب بُروز بحران‌های محیط زیستی و آسیب‌های اجتماعی روزافزونی شده است.

در حال حاضر ۶ تالاب از ۲۴ تالاب بااهمیت بین‌المللی ثبت شده در کنوانسیون رامسر موسوم به سایت رامسر^۱ در فهرست مونترو کنوانسیون قرار دارد که نشان‌دهنده نارسایی‌های بوم‌شناختی ناشی از فعالیت‌های بشری است (تارنمای کنوانسیون رامسر، صفحه فهرست مونترو) و باید تالاب‌های به شدت آسیب‌دیده دیگری چون دریاچه ارومیه و تالاب گاوخونی را هم به آنها افزود. براساس اظهارات رئیس سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور، از نزدیک به ۶۰۰ دشت ایران، ۲۳۰ دشت حاصلخیز دچار بحران کم‌آبی است و ۲۹۷ دشت وضع بحرانی دارند (روزنامه ایران، ۱۳۹۴). بنا به اظهار رئیس سازمان حفاظت از محیط زیست، به علت بی‌توجهی به مسائل محیط زیستی، ۸۵ درصد از سفره‌های آب‌های زیرزمینی کشور تخلیه شده و بسیاری از تالاب‌ها خشک شده‌اند (شبکه اجتماعی زیست‌بوم، ۱۳۹۵). به گفته وی، ایران هفتمین کشور رهاکننده گازهای گلخانه‌ای در جهان است (روزنامه ایران، ۱۳۹۲). توفان‌های ریزگرد بر بهداشت، زندگی اجتماعی، اقتصاد، صنعت، بازرگانی و کشاورزی در ۲۳ استان از ۳۱ استان ایران اثرگذار بوده است (روزنامه آسیاتایمز، ۱۳۹۲).

مراجعه ۱۳۵۳ نفر از افراد دچار مشکلات تنفسی در سیستان به مراکز درمانی (خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۹۵) که باید مشکلات مشابه ساکنان خوزستان و ایلام را هم بر آن افزود، مهاجرت گسترده مردم از سیستان در طی دهه‌های گذشته به دلیل کمبود آب و توفان‌های شن و گردوغبار (خبرگزاری فارس، ۱۳۹۴)، نشان‌دهنده وضعیت بحرانی محیط زیست در مناطق شرقی و غربی کشور است. وجود بیش از ده میلیون جمعیت حاشیه‌نشین شهری در کشور، نشان از وضعیت نامطلوب زندگی روستایی و در نتیجه مهاجرت بی‌رویه به سوی شهر دارد (روزنامه ابتکار، ۱۳۹۵). باید بر این گزارش، نارسایی‌های دیگری چون تشدید خشکسالی سنتی و افزایش تدریجی دما، خشک شدن رودخانه‌ها، فرونشست دشت‌ها، تخریب جنگل‌ها، و آلودگی هوا به‌ویژه در شهرها را نیز اضافه کرد. سرج ناکوزی^۲ نماینده سازمان خواربار و کشاورزی طی سخنانی در همایش روز ملی آب در ایران اعلام کرد که اگر در ایران در زمینه مدیریت منابع آب درست عمل نشود، این کشور در بیست سال آینده دچار مشکلات خطرناک خواهد شد.

1. Ramsar Site
2. Serge Nakouzi

افزایش جمعیت، تلاش برای خودکفایی خوراکی و تغییرات اقلیمی سه مشکل ایران در ایجاد بحران آب هستند (بی‌بی‌سی، ۱۳۹۵).

جالب توجه آنکه در زمینه بحران‌های محیط زیستی در کشور، اعتراض‌های فراوانی در کشور از سوی حتی مسئولان عالی‌رتبه، برخی نمایندگان مجلس شورای اسلامی، مسئولان سازمان محیط زیست و نیز تشکل‌های مردم‌نهاد، در قالب سخنرانی، مصاحبه، تظاهرات و مراجعه مکرر به نهادهای مسئول یا برگزاری همایش‌ها و گردهمایی‌ها صورت گرفته است. از میان آنها می‌توان به اعتراض‌ها در خصوص خشک شدن دریاچه ارومیه (کانون دیده‌بانان زمین، ۱۳۹۰)، تظاهرات مکرر در زمینه آلودگی هوا و تأکید بر هوای پاک در کلان‌شهرها، قطع و کاهش آب رودخانه زاینده‌رود (زیست‌بوم، ۱۳۹۳) و آب‌وهوای غبارآلود، کاهش جریان آب رودخانه کارون و کمبود آب سالم در خوزستان اشاره کرد (ایسنا، ۱۳۹۵).

تعدادی از گزارش‌های ملی و بین‌المللی نیز تا حدودی منعکس‌کننده وضعیت توسعه‌ای و محیط زیستی کشور بوده و نمایی هرچند غیرکامل از آن به دست می‌دهند. از این‌رو، اشاره مختصر به آنها در این مقاله برای آشنایی بیشتر با سیاست‌ها، برنامه‌ها، اقدام‌ها و کُنشگران درگیر از اهمیت برخوردار است. دولت ج.ا. ایران تاکنون سه گزارش درباره برخی موضوعات در دستور کار کمیسیون توسعه پایدار به دبیرخانه سازمان ملل متحد ارائه کرده است. گزارش‌های اول و دوم درخصوص اسکان بشری و آب و بهداشت در سال ۱۳۸۳ و گزارش سوم در زمینه کشاورزی، زمین، خشکسالی، بیابان‌زایی و توسعه روستایی در سال ۱۳۸۷ ارائه شده‌اند. آخرین گزارش شامل سه قسمت است: ۱. راهبردها، سیاست‌ها و برنامه‌ها؛ ۲. محدودیت‌ها و چالش‌ها؛ ۳. راه‌حل‌ها و توصیه‌ها که به‌طور خلاصه در زیر می‌آید.

در بررسی آخرین گزارش باید اذعان کرد که بخش راهبردها و سیاست‌های ملی مبهم بوده و به‌رغم اشاره به وجود راهبردهایی، فاقد عنوان مشخص یا در تناقض با نکات ذکرشده در بخش‌های دیگر است و در آن تنها به برنامه‌های ملی توسعه‌ای پنج‌ساله و چشم‌انداز بیست‌ساله به‌عنوان اساس سیاست‌های خُرد اشاره شده است. بخش چالش‌ها و محدودیت‌های مربوط به پنج زمینه مورد بحث، حاوی نکات روشن‌تری است که جداگانه ذکر می‌شود و در اینجا برای رعایت اختصار به نکات مشترک و سپس نکات متفاوت اشاره می‌شود.

نکات مشترک گزارش شامل نبود چارچوب سیاست ملی همگون، کمبود بودجه، نبود سازوکارهای مناسب برای مدیریت جامع و یکپارچه، نبود بانک داده‌ها و اطلاعات کامل در سطح ملی، ناآگاهی مردم درباره مسائل مبتلا، وجود زیرساخت‌های ناکافی یا نامناسب، ناهماهنگی بین نهادهای داخلی درگیر، و مشکلات ناشی از خشکسالی و تغییر آب‌وهواست.

در زمینه چالش‌های بخش کشاورزی به‌طور خاص به نبود حضور فعال و مؤثر بخش خصوصی، ضایعات زیاد محصولات کشاورزی، کاهش کمیت و کیفیت منابع آبی، دسترسی نداشتن به دانش فنی و مهارت‌های مورد نیاز، فشار به ذخایر آبی و مقدار کم تولید در واحد سطح اشاره شده است. در زمینه چالش‌های بخش بیابان‌زایی، توجه ناکافی به دانش و تجربه‌های سنتی، نبود آگاهی کافی در مورد ضرورت مهار بیابان، و فقر فرهنگی و اقتصادی مردم در مناطق بیابانی مطرح هستند. در میان چالش‌های بخش خشکسالی، مخاطرات ناشی از خشکسالی‌های مکرر با دوره‌های درازمدت، تمرکز بر مدیریت بحران تا سیاست‌های مدیریت مخاطرات، و نبود سیستم هشداردهنده زود هنگام وجود دارند. در زمینه چالش‌های مربوط به زمین، می‌توان به نبود قوانین کافی در زمینه واگذاری زمین، سیستم‌های کشت ناکافی و استفاده نکردن بهینه از زمین، و تغییر کاربری زمین‌های کشاورزی به ساختمان‌سازی اشاره کرد. در زمینه چالش‌های موضوع توسعه روستایی، به محدودیت قوانین بیمه‌ای و توسعه ناکافی گردشگری در مناطق روستایی اشاره شده است.

در اولین گزارش ملی در سال ۱۳۸۳ آمده است که راهبرد ملی برای کنترل کیفیت آب آشامیدنی و بهبود سطح سلامت ملی با درج اقداماتی همچون آموزش نیروی انسانی مورد نیاز برای فعالیت‌های تحقیقاتی و آزمایشگاهی در زمینه آب، پساب و سلامت محیط زیست تصویب شده که شامل مدیریت کلان، مدیریت منابع آب، مدیریت مصرف، ارزش اقتصادی آب، کنترل کیفیت، هزینه‌های عرضه آب و ... می‌شود. بیش از ۹۶ درصد شهرها به آب آشامیدنی سالم دسترسی دارند. افزایش بی‌رویه برداشت از چاه‌های آب سبب شده که سطح آب‌های زیرزمینی پایین‌تر برود و پر نشدن مجدد سفره‌های زیرزمینی از آب‌های سطحی آسیب‌های جدی به منابع آب کشور وارد آورده است. از دیگر پیامدهای منفی برداشت بی‌رویه آب‌ها، تخریب و فرونشست زمین بوده است. جمع‌آوری غیربهداشتی پسماندهای جامد و پساب‌ها و دفن غیرعلمی آنها و نیز استفاده بی‌رویه از کودهای شیمیایی در بخش کشاورزی بر مشکلات مربوط به آب کشور افزوده‌اند (Iran's National Report, 2004).

گزارش، ضمن پیش‌بینی افزایش برداشت و مصرف آب تا سال ۱۴۰۰، به میزان ۱۰۳ میلیارد متر مکعب و همزمان افزایش جمعیت و کاهش زمین‌های کشاورزی، میزان «عرضه آب» و «محصولات خوراکی» را دو چالش بزرگ کشور در آینده دانسته است. براساس گزارش، روزانه ۴۰۰۰۰ تن پسماند در ایران تولید می‌شود که برای منابع آب کشور تهدیدی جدی هستند. از دیگر چالش‌ها، کاهش کیفیت آب، مصرف کنترل‌نشده آب، آلودگی رودخانه‌ها، با نفوذ انواع پساب، نبود مدیریت یکپارچه در مورد منابع آب مناطق شهری،

ناهماهنگی بین قوانین و مقررات موجود در زمینه آب و روش‌های اجرایی آنها، استفاده نامناسب از کود و ترکیبات شیمیایی و وجود تنش‌های فرامرزی در خصوص آب است. براساس دومین گزارش ملی سال ۱۳۸۳، تعداد شهرها از ۱۹۹ در سال ۱۳۲۵ به حدود ۱۰۰۰ شهر در سال ۱۳۸۳ رسیده است. در دامنه زمانی مشابه، سهم جمعیت شهرنشین از جمعیت کل کشور از ۳۲ درصد به ۶۷ درصد رسیده است. رشد جمعیت روستایی ۱/۳۲ درصد و رشد جمعیت شهری ۴/۳ بوده است. رشد ساکنان حاشیه‌نشین شهری که در اثر افزایش جمعیت، مهاجرت بی‌رویه از روستا به شهر، ارائه نامناسب خدمات شهری، زیرساخت‌های ضعیف، مشکل اشتغال در روستا، درآمد کم و ... به وجود آمده، به تراکم جمعیت و حضور فقرا در مناطق حاشیه‌ای انجامیده است. با احتساب فقرا در دیگر نقاط شهر، حدود ۳۰ درصد جمعیت شهری کم‌درآمد هستند. پیش‌بینی می‌شود که در طی دهه‌های آینده، تعداد حاشیه‌نشینان در شهرهای ایران به چهار نفر از هر هشت نفر برسد. از دیگر چالش‌های بزرگ شهرها، نبود یکپارچگی و انسجام در روند تصمیم‌گیری نظام مدیریتی در مورد جمعیت است. بر عناصر یادشده باید آلودگی محیط زیست، مدیریت نامناسب پسماندها، میزان زیاد سرانه مصرف انرژی، به‌کارگیری فناوری‌های قدیمی آلاینده و محدودیت‌های مالی برای بهبود وضعیت را نیز افزود.

براساس گزارش، از دیگر دغدغه‌های کنونی در ایران، تأثیرگذاری مکرر بلایای طبیعی بر سکونتگاه‌های مردم است. بلایای طبیعی به دو علت زمین‌شناسی^۱ و تغییر آب‌وهوا به وقوع می‌پیوندند که ایران از هر دو نوع آنها رنج می‌برد. در طی سده گذشته، در حدود ۳۵۰۰ زلزله در ایران رخ داده که ۱۲ مورد آنها با شدت بیشتر از هفت درجه در مقیاس ریشتر بسیار مخرب بوده و علاوه بر اثرگذاری بر وضعیت سکونتگاه‌های غیرمقاوم، آثار تخریبی فراوانی بر محیط زیست داشته‌اند.

شایان ذکر آن است که گزارشی از چگونگی اجرای اهداف توسعه هزاره در ایران وجود ندارد.

در گزارش دبیرخانه سازمان ملل متحد با عنوان: «اجلاس سران ۲۰۰۲: پرونده دولت‌ها (Juhannesburg Summit 2002: Country Profile)»، موضوعات نحوه تصمیم‌گیری، برنامه‌ها و پروژه‌ها، محیط زیست، ظرفیت‌سازی و آموزش و افزایش آگاهی، اطلاع‌رسانی، تحقیق و فناوری، مالی، و همکاری در ۴۲ فصل تحت عناوین مختلف و براساس پاسخ دولت‌ها به پرسشنامه مربوط گنجانده شده است. گزارش مربوط به ج.ا. ایران حاکی از آن است که به حدود نیمی از پرسش‌ها پاسخ داده شده و از میان آنها، نکات زیر شایان توجه است. در مورد

1. Geological

سیاست‌ها و برنامه‌ها آمده که برنامه‌ای در سطح ملی برای اجرای دستور کار ۲۱^۱ وجود ندارد. تقویت سازمان‌های غیردولتی و افزایش نقش بخش خصوصی در جریان است. چند کنفرانس داخلی و بین‌المللی تشکیل شده و در رسانه‌های گروهی و دانشگاه‌ها در خصوص توسعه پایدار مباحث مفیدی صورت می‌پذیرد. برنامه مقابله با فقر، در برنامه کلان ملی گنجانده شده است و تلاش می‌شود از طریق هدفمندسازی یارانه‌ها در این زمینه اقدام شود. برای تغییر الگوی مصرف، شورای الگوهای مصرف در زمینه انرژی، منابع طبیعی و مصرف خوراک تشکیل شده و دانشگاه‌ها، صداوسیما و رسانه‌های جمعی دیگر نیز فعال‌اند. همچنین مطالعاتی در زمینه آب توازن کشتی‌ها در خلیج فارس، تأثیرات محیط زیستی نیروگاه‌های ساحلی و آلودگی ناشی از حمل و نقل نفت در خلیج فارس صورت می‌گیرد. در خصوص ارتقای سلامت انسانی، پروژه‌هایی توسط وزارت بهداشت در زمینه پسماندهای جامد، بهداشت و عفونت، مقابله با مصرف دخانیات و غیره در جریان است و به‌منظور مدیریت پسماندهای خطرناک و شیمیایی، وزارتخانه‌های بهداشت و کشور برنامه‌هایی برای دفن بهداشتی پسماندها در دست اجرا دارند.

براساس گزارش، کمیته ملی توسعه پایدار به ریاست رئیس سازمان محیط زیست و با عضویت نهادهای مختلف داخلی تشکیل شده و با برقراری جلساتی منظم، وظیفه ایجاد همسویی بین تلاش‌های محیط زیستی و توسعه‌ای، هماهنگی بین‌نهادی، ارزیابی و تهیه چارچوبی برای تحقق توسعه پایدار و ارائه پیشنهاد به شورای عالی محیط زیست برای تصمیم‌گیری را به عهده دارد.

نکته شایان توجه دیگر آن است که موقعیت جغرافیای سیاسی هر کشوری از عوامل مؤثر بر توسعه پایدار است. واقع شدن بر روی کمربند خشک، وجود پستی و بلندی‌ها و آب‌وهوای اغلب نامساعد و متنوع سبب شده که ایران از موقعیت محیط زیستی شکننده و خشکسالی‌های مکرر دوره‌ای در گذشته برخوردار باشد. با پیدایش پدیده گرمایش زمین و تغییر آب‌وهوا، شرایط نامساعد یادشده به لحاظ شدت و تکرار رو به افزایش گذارده و بر دغدغه‌ها و چالش‌ها افزوده است. بی‌ثباتی سیاسی به‌ویژه در طی یک قرن گذشته در اثر مداخله و حضور نیروهای داخل و خارج از منطقه و نیز وجود اختلافات مذهبی، گویشی، فرهنگی، مرزی و سرزمینی، منابع آب و غیره بر دامنه چالش‌ها افزوده و امکان همکاری برای حل مشکلات دوجانبه و منطقه‌ای محیط زیستی را کاهش داده‌اند. در این زمینه، به‌عنوان مثال می‌توان به مشکل توفان شن و ریزگردها اشاره کرد که در طی دهه گذشته تشدید شده است. به هر حال برای همکاری در زمینه توسعه پایدار با کشورهای منطقه به شرایط سیاسی مناسب نیاز است و

از این‌رو دولت در عرصه روابط خارجی باید تنش‌زدایی کند. موقعیت جغرافیای سیاسی ایران به آن اهمیت راهبردی داده است، به‌گونه‌ای که همواره بر وضعیت سیاسی و اقتصادی - اجتماعی منطقه خاورمیانه و غرب آسیا مؤثر بوده است. همچنین، وجود ثبات سیاسی و امنیت در داخل کشور در فضای ناامن منطقه از عوامل اهمیت راهبردی کشور است. بدیهی است موقعیت یادشده پیامدهای مثبت و منفی هم برای کشور داشته و دارد.

از دیگر ویژگی‌های کشور، وقوع مکرر بلایای طبیعی، تغییرات در ترکیب جمعیت، تولید انبوه و قاچاق مواد مخدر در همسایگی، و نیز ویژگی‌های خاص فرهنگی و مذهبی است که بر روند توسعه پایدار مؤثر است. در ایران انواع بلایای طبیعی شامل زلزله، خشکسالی، سیلاب، و توفان‌های شن و ریزگرد به‌طور مکرر به وقوع می‌پیوندند. با بروز پدیده گرمایش زمین، بلایای طبیعی ناشی از آن مانند سیلاب و توفان و خشکسالی شدت گرفته و آسیب‌های ناشی از بلایا در زندگی مردم را دوچندان کرده است. ایران با داشتن ذخایر فراوان، در استخراج، تولید و صادرات سوخت‌های فسیلی فعال است، مصرف زیادی دارد و اقتصاد آن تا حد زیادی متکی بر درآمدهای ناشی از فروش نفت و گاز است. سوخت‌های فسیلی در انتشار گازهای گلخانه‌ای و در نتیجه بروز تغییرات آب‌وهوایی تأثیر فراوانی دارند. از این‌رو، برای مقابله با آثار انواع بلایای طبیعی در کشور، اصلاح سیاست‌ها و اتخاذ تدابیر جدید و واقع‌بینانه در عرصه‌های داخلی و خارجی ضروری است.

ایران همچنین میزبان حدود دو تا سه میلیون نفر آواره و مهاجر خارجی است که علت آن بی‌ثباتی‌های سیاسی و اجتماعی - اقتصادی و جنگ‌های داخلی در طی چند دهه گذشته در کشورهای همسایه بوده است. افزایش ناگهانی این جمعیت، سبب اختلال در برنامه‌های توسعه‌ای و وارد شدن فشار بیشتر بر منابع طبیعی کشور به دلیل افزایش مصرف شده است. همزمان، مهاجرت تعداد زیادی از ایرانیان به کشورهای توسعه‌یافته و همراه با آن، انتقال سرمایه‌های مالی عظیم به خارج، کاهش ظرفیت‌ها و توانایی‌های انسانی و اجتماعی در کشور را سبب شده است. تردیدی نیست که این جابه‌جایی و روند، تأثیرات منفی فراوانی بر بدنه کارشناسی و مدیریتی و نیز توان مالی کشور برای سرمایه‌گذاری داشته و دارد و از ضروریات شتاب گرفتن روند توسعه پایدار در کشور، توقف و سپس معکوس کردن این روند است.

واقع شدن در همسایگی افغانستان با تولید حدود ۸۰ درصد مواد مخدر جهان و صدور غیرقانونی آن، از دیگر چالش‌های بزرگ ایران در دوران معاصر است. تولید حجم زیادی از مواد مخدر بدون مواجه شدن با موانع جدی، کشور را در مسیر عبور مواد مخدر و در موقعیت یک مصرف‌کننده بزرگ قرار داده است و آسیب‌های فراوان اجتماعی و اقتصادی به مردم ایران تحمیل می‌کند.

وسعت سرزمینی و تنوع آب‌وهوایی و وجود کوهستان‌ها و دشت‌ها و مناطق خشک و مرطوب سبب شده که در کشور گرایش‌ها و فرهنگ‌های تا حدودی متفاوت و متنوع وجود داشته باشد. این مهم، علاوه بر آنکه می‌تواند موجبات جدایی و چنددستگی را فراهم آورد، در صورت وجود فضای سیاسی و اقتصادی مناسب، یک فرصت است و ممکن است سبب بهره‌برداری مثبت از غنای فرهنگی و جذابیت هرچه بیشتر شود. تنوع محیط زیستی بر تنوع فرهنگی، موسیقی و نوازندگی، حرکات موزون، شعر و آواز و حتی نوع لباس‌ها مؤثرند. برعکس، از بین رفتن محیط زیست تأثیری مستقیم بر نابودی فرهنگ‌ها و کاهش تفاهم و دوستی در میان جوامع مختلف بومی در داخل کشور دارد. پیامد دیگر نابودی محیط زیست، جابه‌جایی و مهاجرت‌های محیط زیستی از منطقه آسیب‌دیده است که بر بار مشکلات محیط زیستی و کمیابی منابع طبیعی در مناطق مقصد مهاجران می‌افزاید. تخلیه جمعیتی یک منطقه نامناسب به لحاظ محیط زیستی برای زندگی از یک‌سو، و تراکم جمعیتی در مناطق مناسب‌تر از سوی دیگر همچنین آثار سوء امنیتی، سیاسی و اجتماعی خواهد داشت و ادامه وقوع آنها در کشور به صلاح نیست.

مسعود نیلی، مشکلات جاری کشور را این‌گونه دسته‌بندی می‌کند و درباره آنها هشدار می‌دهد (نیلی، ۱۳۹۶):

«... اعتقاد دارم نیمه دوم دهه ۱۳۹۰ برای کشور ما سرنوشت‌ساز و تعیین‌کننده خواهد بود. ... (بدین علت) که دو رودخانه خروشان در این زمان به هم می‌رسند. رودخانه اول، به نحوه مدیریت بلندمدت دارایی‌های کشور مربوط می‌شود. ... کشور ما از نظر منابع و دارایی‌های تجدیدنپذیر یا کم‌ترتجدیدپذیر نظیر آب، هوا، خاک، نفت و گاز به گونه‌ای اداره نشده که بتواند برای مردمش رفاه پایدار ایجاد کند. ما این منابع را به جای آنکه حفظ کنیم یا آنکه آنها را تبدیل به ثروت تولیدی کنیم، مصرف کرده‌ایم. (زمانی می‌رسد که) همه متوجه می‌شوند یک کشور بزرگ که ظرفیت‌های عظیمی برای رشد و پیشرفت داشته، دیگر از آنها برخوردار نیست. رودخانه دوم، خیل عظیم جوانان و به‌ویژه زنان جویای کار است ... که مقیاس میلیونی خواهند داشت. ... کشور ما یک زمان طلایی را در نیمه دوم دهه ۱۳۸۰ از دست داده (است). ... اینک این دو رودخانه در مبدأ اتصال به یکدیگر قرار گرفته‌اند. به هم رسیدن این دو رودخانه، اتفاق سهمگینی است که باید به‌نحوی مدیریت شود. در غیر این صورت عواقب آن می‌تواند کشور را تا چند ده سال گرفتار انواع مشکلات اجتماعی و سیاسی کند.»

اسناد بالادستی

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران عالی‌ترین سند و مرجع ملی کتبی برای اتخاذ تصمیم‌ها و وضع قوانین و تعیین سیاست‌های داخلی و خارجی است. در بخشی از مقدمه قانون اساسی تحت عنوان: «شیوه حکومت در اسلام» آمده است که قانون اساسی تضمین‌گر نفی هر گونه استبداد فکری و اجتماعی و انحصار اقتصادی است و در خط گسستن از سیستم استبدادی، و سپردن سرنوشت مردم به دست خودشان تلاش می‌کند. براساس اصل ۴۰، هیچ‌کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیلهٔ اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد. براساس بند ششم اصل ۴۳، اسراف و تبذیر در همهٔ شئون مربوط به اقتصاد، اعم از مصرف، سرمایه‌گذاری، تولید، توزیع و خدمات منع شده است. بخشی از اصل چهل و پنجم مربوط به انفال و ثروت‌های عمومی از قبیل زمین‌های موات یا رهاشده، معادن، ... است که در اختیار حکومت اسلامی است. طبق اصل ۵۰، در جمهوری اسلامی حفاظت از محیط زیست که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفهٔ عمومی تلقی می‌شود. از این‌رو، فعالیت‌های اقتصادی و غیره که با آلودگی محیط زیست یا تخریب جبران‌ناپذیر آن ملازمه پیدا می‌کند، ممنوع است. بنابر اصل ۱۵۲، سیاست خارجی کشور براساس نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال ... و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز متقابل با دول غیرمحراب استوار است. در اصل ۱۵۳، هرگونه قراردادی که موجب سلطهٔ بیگانه بر منابع طبیعی و اقتصادی، ... و دیگر شئون کشور شود، ممنوع است. در اصل ۱۵۴، ج.ا. ایران سعادت انسان در کل جامعهٔ بشری را آرمان خود می‌داند. چنانکه مشاهده می‌شود، در قانون اساسی ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی و محیط زیستی در زندگی مردم برای نیل به سعادت انسان دیده شده است.

سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ در حقیقت درازمدت‌ترین و تنها سند جامع راهبردی کشور است که بعد از قانون اساسی باید مرجع همهٔ نهادهای اجرایی، قانون‌گذاری و قضایی کشور در تهیه، تدوین و تصویب راهبردها و برنامه‌ها و همچنین بودجه‌های سالیانه، اهداف و سیاست‌ها باشد. در افق این چشم‌انداز، ایران کشوری خواهد بود توسعه‌یافته، متناسب با مقتضیات فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی خود، متکی بر اصول اخلاقی و ارزش‌های اسلامی، ملی و انقلابی، با تأکید بر مردم‌سالاری دینی، عدالت اجتماعی، آزادی‌های مشروع، حفظ کرامت و حقوق انسان‌ها و بهره‌مند از امنیت اجتماعی و قضایی. برخوردار از دانش پیشرفته، توانا در تولید علم و فناوری، متکی بر سهم برتر منابع انسانی و سرمایهٔ اجتماعی در تولید ملی، ... برخوردار از سلامت، رفاه، امنیت اجتماعی، فرصت‌های برابر، توزیع مناسب درآمد، نهاد مستحکم خانواده، به دور از فقر، فساد، تبعیض و بهره‌مند از محیط مطلوب. فعال، مسئولیت‌پذیر، ایثارگر، مؤمن،

رضایت‌مند، برخوردار از وجدان کاری، انضباط، روحیه تعاون و سازگاری اجتماعی، متعهد به انقلاب و نظام اسلامی و شکوفایی ایران و مفتخر به ایرانی بودن و دارای تعامل سازنده و مؤثر در جهان.

در حال حاضر در ایران، چندین سیاست کلی ابلاغی در زمینه‌های اصلاح الگوی مصرف، انرژی، محیط زیست، اقتصاد مقاومتی، و برنامه ششم توسعه اقتصادی و اجتماعی وجود دارد که خوشبختانه در آنها به واژه‌های جدید و عوامل مؤثر بر توسعه پایدار مانند اقتصاد سبز اشاره شده است. جالب توجه آن که در بخش نهم برنامه ششم توسعه، دولت مکلف به تهیه و ارائه اسنادی بالادستی در زمینه‌های کار شایسته، راهبرد انرژی کشور، توانمندسازی و سازماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی تا پایان سال ۲۰۱۷ شده است. به گونه‌ای که مشاهده می‌شود، به‌رغم چالش‌های فراوان در زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و محیط زیستی در کشور، راهبردها و سیاست‌های ابلاغی انگشت‌شمار و جداگانه است و ضرورت وجود یک راهبرد ملی جامع درازمدت با عنوان: «راهبرد ملی توسعه پایدار» که دربرگیرنده سه‌رکن یادشده باشد، به‌شدت احساس می‌شود.

مشارکت ج. ا. ایران در فعالیتهای نهادهای بین‌المللی

چنانکه اشاره شد، توسعه پایدار و محیط زیست مرزهای سیاسی را به رسمیت نمی‌شناسند. با توجه به تحولات در نوع روابط بین دولت‌ها و مردم در دوران معاصر، تحقق توسعه پایدار و بهبود وضعیت محیط زیست در کشور نیاز به همکاری همه کنشگران دخیل در فعالیتهای توسعه‌ای و بهره‌بردار از منابع طبیعی است. از جمله کنشگران دخیل به‌ویژه در نیم سده اخیر نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی هستند که توسط دولت‌ها دایر و تأمین مالی شده‌اند و فعال‌اند. روشن است که عرصه روابط بین‌المللی همواره تحت تأثیر نفوذ کنشگران و چگونگی روابط سیاسی آنها با یکدیگر است. رابطه بین کنشگران را باید در دایره وسیعی از «همکاری» تا «تقابل» تحلیل کرد. در این میان، نهادهای بین‌المللی را باید کنشگران فراملی، و نه فوق‌ملی، با هدف کمک به تحقق همکاری جمعی بین دولت‌ها بر مبنای معیارها و سیاست‌های مشخص در نظر گرفت. در این کنش و واکنش، کنشگران دخیل به همکاری و هماهنگی براساس اهداف تعیین‌شده و با استفاده از ابزارهای در دسترس می‌پردازند. البته این همکاری‌ها به‌معنای نفی رقابت‌ها نیست. اصل حاکم بر روابط، به‌دست آوردن نفع مشترک همگانی است (مصفا، ۱۳۹۰: ۱۷).

غالب موضع‌گیری‌های دولت ایران در مجامع بین‌المللی مربوط به توسعه پایدار در چارچوب مواضع جنبش غیرمتعهدها، گروه ۷۷، و اوپک صورت گرفته و همزمان سعی شده

همانند هر دولت دیگری بر تصمیمات ترتیبات یادشده تأثیرگذار باشد. در این زمینه می‌توان به تصویب پیشنهاد دولت ج. ا. ایران در مجمع عمومی سازمان ملل متحد مبنی بر اعلام ۲۰۰۱ (۱۳۸۰) به‌عنوان «سال گفت‌وگوی تمدن‌ها» و نیز ریاست ایران در سال ۱۳۸۰ بر گروه ۷۷ اشاره کرد (مصفا و امین منصور، ۱۳۹۲). در آن سال، هیأت‌های ایرانی مدیریت جلسات گروه ۷۷ و چین (Group of 77 and China) به‌منظور هماهنگی و اتخاذ مواضع مشترک در زمینه مسائل اقتصادی، اجتماعی و محیط زیستی بین‌المللی، مسئولیت مذاکرات با دولت‌های دیگر را به عهده داشتند و نشان دادند که می‌توان با تلاش و منطبق دولت‌های در حال توسعه را هماهنگ‌تر کرد و از مجامع بین‌المللی برای تأمین منافع مشترک و تحقق آمال و اهداف مشترک گروه بهره برد. همچنین، عضویت فعالانه ایران در هیأت رئیسه‌های چهاردهمین و هفدهمین اجلاس کمیسیون توسعه پایدار در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۸۸ شایان توجه است. به‌رغم آن، باید اذعان کرد که متأسفانه دولت ایران در بهره‌برداری از منابع مالی و فنی بین‌المللی در گذشته در مقایسه با بسیاری از کشورهای در حال توسعه ضعیف عمل کرده است (امین منصور، ۱۳۹۰: ۱۴۴-۱۴۲).

فشار سیاسی خارجی از جمله با تشدید تحریم‌های اقتصادی یکجانبه، مصوبات متعدد شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای، و با شروع وضع تحریم‌های چندجانبه توسط شورای امنیت سازمان ملل متحد در دوره زمانی ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۳ مرحله به مرحله افزایش یافت. روند اعطای وام‌ها و کمک‌های نهادهای بین‌المللی به دولت ایران، به دلایل سیاسی دچار مشکل شد تا کشور در انزوای سیاسی قرار گیرد و تحت فشار اقتصادی به تغییر برخی سیاست‌ها و اقدام‌های خود از جمله در زمینه انرژی هسته‌ای وادار شود. با ابراز تمایل دولت یازدهم به بهبود روابط با دولت‌های دیگر و مشارکت سازنده در مجامع بین‌المللی، مقابله با افراط‌گرایی، ادامه مذاکره در فضای بهتر و امضای «برنامه جامع اقدام مشترک» به‌عنوان راه‌حلی برای بحران هسته‌ای، فضای جدید و امیدوارکننده‌ای در صحنه روابط خارجی کشور به وجود آمد. برجام در حقیقت یخ سرد روابط با دنیای خارج را شکست و فرصتی جدید برای همکاری در همه زمینه‌ها از جمله توسعه پایدار، محیط زیست، انرژی و حمل‌ونقل ایجاد کرد. تشدید توفان‌های شن و گردوغبار سبب طرح پیش‌نویس قطعنامه‌هایی برای مقابله با توفان‌های شن و گردوغبار توسط هیأت ایرانی در سال‌های ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵ در مجمع عمومی سازمان ملل متحد و تصویب آن شد. همچنین اولین کنفرانس بین‌المللی مقابله با گردوغبار با همکاری سازمان ملل متحد و با حضور نمایندگان برخی دولت‌ها در سطح وزرا، سازمان‌های غیردولتی و سازمان‌های بین‌المللی در تیرماه ۱۳۹۶ در تهران برگزار و در پایان چند بیانیه صادر شد.

به‌طور کلی دولت ایران در مجامع بین‌المللی محیط زیستی و اقتصادی و تا حدودی اجتماعی با بسیاری از دولت‌های در حال توسعه و حتی فراتر از آن هم‌موضع و همراه بوده است. به‌دلیل نوع حساسیت‌های داخلی و اولویت‌ها، می‌توان به‌طور کلی حضور کشورمان در مجامع سیاسی و فرهنگی بین‌المللی را گسترده‌تر و سازمان‌یافته‌تر، و در مجامع محیط زیستی و اقتصادی و تجاری، ضعیف توصیف کرد؛ هرچند به لحاظ کارشناسی توانایی‌های بسیاری در کشور وجود داشته و دارد.

هر دولتی برای تأمین منافع ملی و پیشبرد اهدافش در مجامع و نهادهای بین‌المللی باید روابطی معقول و همکاری متقابل با دولت‌های دیگر داشته باشد. این نوع رابطه، به‌همراه مشارکت فعالانه در شکل‌گیری و توسعه نهادهای فراملی می‌تواند بازده کلی ارزشمندی داشته باشد و سهم آن دولت را از منافع حاصل از مشارکت جمعی افزایش دهد. لازمه این برخورد، داشتن تعریفی دقیق از منافع ملی و ارزش‌ها، برخورداری از دیدگاه‌هایی صحیح در مورد چالش‌های موجود و آینده ایران و جهان، آگاهی از قواعد بازی در روابط بین‌المللی، شناخت نهادها، آشنایی با عوامل پشت صحنه مؤثر بر سیاست خارجی دولت‌ها از جمله منافع ملی و راهبردهای آنها، و نیز استفاده از همراهی کنشگران غیردولتی مؤثر در مجامع بین‌المللی با استفاده از دیپلماسی عمومی و دیپلماسی دیجیتال است. علاوه بر آن، مدیران نهادهای داخلی باید وظایف محوله اداری را به‌نحو عالی انجام دهند. همکاری، مساعدت و هماهنگی بین کارکنان در داخل هر نهاد و بین کارکنان نهادهای مختلف برای تحقق منافع ملی ضروری است.

نتیجه

چنانکه اشاره شد، توسعه پایدار و در آن چارچوب اهداف توسعه هزاره و اهداف توسعه پایدار، حاصل فرایندهای مذاکره‌ای بین دولت‌ها با نقش فعالانه جوامع مدنی است و به‌عنوان راه‌حلی برای مقابله با چالش‌های مشترک بشری شامل توسعه لجام‌گسیخته، بحران‌های اقتصادی، نابرابری‌ها، آسیب‌های اجتماعی و تخریب روزافزون محیط زیست و منابع طبیعی طراحی شده و در حال اجراست. با توجه به روند جهانی شدن، گسترش ارتباطات و ادامه چالش‌های یادشده، ضرورت همکاری و همیاری بین دولت‌ها در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی برای مقابله با چالش‌های مشترک در مراحل مختلف تدوین حقوق بین‌الملل، تأمین منابع مالی مورد نیاز و اجرا انکارناپذیر است. نکته شایان توجه آن که تعهدات بین‌المللی، حداقل موارد توافق‌شده بین دولت‌ها بوده و در صورت وجود قوانین ملی برتر و پیشرفته در هر زمینه‌ای، مانع اجرای قوانین داخلی نخواهند بود. محتوای بیانیه‌های گردهمایی‌های مربوط به توسعه

پایدار در چارچوب سازمان ملل متحد تعهداتی سیاسی محسوب می‌شوند و به لحاظ حقوقی الزام‌آور نیستند. به عبارت دیگر، حالت توصیه‌ای دارند و بدیهی است که دولت‌ها با توجه به ظرفیت‌ها، شرایط، اولویت‌ها و توانایی‌های داخلی به اجرای مفاد بیانیه‌ها می‌پردازند. از سوی دیگر، باید در نظر داشت که اگر هنجارها و حقوق بین‌الملل از واکنش‌های مناسب و خردمندانه دولت‌ها در روند داخلی شدن برخوردار نشوند، نمی‌توانند در بهبود زندگی بشری و حفاظت گره زمین مفید واقع شوند. همچنین، اگر روند داخلی شدن بدون راهبرد و برنامه‌های ملی تعریف‌شده مبتنی بر منافع ملی و ارزش‌ها در هر کشور عملیاتی شوند، ممکن است برای مردم کشور اجراکننده مُضر باشند و به صورت چالشی جدید، و نه فرصت، ظاهر شوند.

واضح است که تهیه راهبرد ملی توسعه پایدار، کار ساده‌ای نیست. تعیین سیاست‌های درازمدت یک کشور برای یکپارچه کردن سه نظام پیچیده اقتصادی، اجتماعی، و محیط زیست براساس نیازها، منافع ملی و ارزش‌ها با عنایت به شرایط سیاسی بین‌المللی، و پیش‌بینی تحولات در آینده خود چالشی بزرگ است. ضرورت تبادل نظر فراوان بین گُنشگران گوناگون در داخل کشور اعم از دولتی و دیگر بخش‌های ذی‌نفع برای نیل به اجماع پیرامون راهبرد ملی بر پیچیدگی‌ها و درعین حال کندی سرعت پیشرفت می‌افزاید. به‌رغم آن، داشتن یک راهبرد ملی درازمدت برای توسعه پایدار ضرورتی است که در خصوص فرایند بررسی و تصویب آن باید بعد از انتشار گزارش بروتلند یا پس از اجلاس سران زمین در ریو طی یک فرایند چندساله در کشور اقدام می‌شد.

در یک راهبرد جامع ملی نیازها، اولویت‌ها و مواضع کشور مشخص شده است و می‌توان براساس آن سند ملی در مذاکرات داخلی و خارجی موضع‌گیری کرد و با اولویت‌بندی اهداف توسعه پایدار به اختصاص منابع داخلی و جذب منابع خارجی برای اجرا دست یازید. بدیهی است که از پیش‌نیازهای تهیه و تصویب راهبرد ملی توسعه پایدار، برخورداری از دیدگاه‌های به‌نسبت مشترک در جامعه در چارچوب اسناد بالادستی در مورد آرمان‌ها و ارزش‌ها، منافع ملی، راه‌های تحقق آنها، و چگونگی بهره‌برداری از سازوکارهای متعدد موجود از جمله نهادهای بین‌المللی در مراحل هنجارسازی و اجراست. با توجه به وجود دیدگاه‌های بسیار متفاوت در داخل دولت و بین بخش‌های ذی‌نفع، باید ضمن استفاده از اسناد بالادستی موجود، مدتی چشمگیر را به کاهش شکاف در دیدگاه‌ها اختصاص داد تا فرایند تصمیم‌گیری با سهولت بیشتری طی شود.

دیگر چالش فعلی برای تحقق توسعه پایدار در کشور، درگیر شدن جوامع مدنی، جوامع دانشگاهی و بخش خصوصی در تبادل نظر، تدوین یک راهبرد ملی و اجراست. از آنجا که دولت‌ها به‌تنهایی قادر به مدیریت نظام‌های پیچیده نیستند و فناوری‌ها مانند شبکه‌های ارتباطی

و نیز افزایش آگاهی عمومی میزان حساسیت‌ها و اثرگذاری سازمان‌های غیردولتی و مردم را در زمامداری تشدید کرده است، حضور فعالانه آنها در روند تصمیم‌گیری درباره یک راهبرد ملی برای توسعه پایدار باید به‌طور جدی مدنظر باشد. مقاومت احتمالی نهادهای دولتی در این راه طبیعی است، ولی باید از آن عبور کرد. با اذعان به اینکه مداخله عناصر غیردولتی در کشور در روند تصمیم‌گیری یک فرصت نیز است و نوآوری، خلاقیت، امید به آینده، حس مشارکت در امور و شادابی در جامعه را تقویت می‌کند، باید با ایجاد ساختارهای لازم برای شنیدن و عملیاتی کردن نظرهای مردم تلاش کرد.

در صورت تدوین راهبرد ملی توسعه پایدار، بدیهی است که راهبردهای جزئی و سیاست‌های ملی در خصوص امور دیگر نظیر مدیریت آب و بهداشت، انرژی، محیط زیست، اقتصاد، تجارت، صنعت، کشاورزی، ارتباطات، توسعه شهری و روستایی، مقابله با فقر، محو بی‌سوادی، رفع گرسنگی و سوءتغذیه، آموزش و افزایش آگاهی عمومی، حمل‌ونقل، رشد جمعیت، و ... باید در آن چارچوب تعریف و تصویب شده و همسو و یکپارچه شوند. همچنین، به هنگام تنظیم بودجه و تدوین برنامه‌های پنج‌ساله توسعه‌ای، باید مفاد راهبرد ملی مدنظر باشد و تحقق آنها در اولویت قرار گیرد. علاوه بر آن، دستگاه دیپلماسی موظف خواهد بود که از یک‌سو در روند هنجارسازی بین‌المللی در جهت منافع ملی کشور مشارکت فعالانه داشته باشد و از سوی دیگر با تنش‌زدایی و ارتقای روابط دوجانبه با کشورهای دیگر، همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی را برای پیشبرد اهداف مشترک جامعه بشری تقویت کند.

در هر راهبرد ملی توسعه پایدار، تعیین سازوکارهایی دائمی برای هماهنگی، اجرا، پایش و ارزیابی عملکردها در سطوح مختلف کارشناسی و مدیریتی با حضور نهادهای دولتی، جوامع مدنی، جوامع دانشگاهی و بخش خصوصی ضروری است. دائمی بودن سازوکار یادشده به دلیل آن است که توسعه پایدار، هدف یا اقدامی مقطعی نیست، بلکه فرایندی درازمدت و بی‌پایان است که باید در زمینه نحوه اجرای آن به‌صورت دوره‌ای بازنگری شده و با عنایت به نتایج حاصل در هر مرحله اصلاح شود. بدیهی است که در این زمینه، دولت‌های در حال توسعه باید با ظرفیت‌سازی، با توسعه منابع انسانی خود زمینه جذب و بهره‌برداری از انواع سرمایه‌های داخلی و خارجی را فراهم کنند و حمایت‌های سیاسی لازم از سازوکارهای مربوط را به‌عمل آورند.

شایان توجه آنکه بخشی از چالش‌های محیط زیستی کشورهای در حال توسعه، ناشی از توسعه بی‌رویه کشورهای صنعتی طی سده‌های گذشته بوده است. از سوی دیگر، آثار مثبت پروژه‌های محیط زیستی و توسعه پایدار در کشورهای در حال توسعه به آن سوی مرزهای سیاسی هم می‌رود. از این‌رو، دولت‌های توسعه‌یافته ثروتمند باید سهمی مهم از هزینه‌های

تحقق توسعه پایدار^۱ در کشورهای در حال توسعه را براساس اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت^۲ بپردازند. ناگفته نماند که متأسفانه تا کنون برخی دولت‌های ثروتمند نظیر ایالات متحده آمریکا در اجرای تعهدات مالی بین‌المللی خود نظیر پرداخت ۰/۷ درصد از تولید ناخالص داخلی سالانه خود در قالب کمک‌های رسمی توسعه‌ای (ODA) به کشورهای در حال توسعه قصور داشته‌اند.

بدیهی است تجربیات به‌دست‌آمده از بیش از سی سال مشارکت در نهادهای بین‌المللی، درس‌های ارزشمندی به کارشناسان و مدیران دولتی، جامعه دانشگاهی و سازمان‌های مردم‌نهاد داخلی داده که استفاده صحیح از آنها به‌عنوان فرصت می‌تواند برای ترسیم راه و اصلاح نقش‌ها در آینده مؤثر باشد. از فرصت‌های دیگر، جایگاه ژئوپلیتیک ایران در منطقه و جهان، داشتن مردمی عموماً باسواد و تحصیل‌کرده، وجود استعدادهای درخشان، منابع غنی و متنوع طبیعی، برخورداری از تمدن دیرینه و هویت ایرانی-اسلامی قوی و ریشه‌دار، و ... است که از سرمایه‌ها و امکانات کشور محسوب می‌شوند. بدیهی است که اراده ملی، وجود راهبردها و برنامه‌های روزآمد و مناسب، و استفاده بهینه از آنها می‌تواند نقش کشور را در زمامداری ملی، منطقه‌ای و جهانی به‌نحو چشمگیری تقویت کند و مؤثرتر سازد.

منابع و مأخذ

الف) فارسی

۱. آراستی، علیرضا. «میزان بارندگی در ایران نسبت به میانگین جهانی»، هفتم فروردین ۱۳۹۰، در تارنمای: <http://www.fardanews.com/fa/news/142276>
۲. ابتکار، معصومه. «وضعیت منابع زیرزمینی آب کشور». شبکه اجتماعی زیست‌بوم، پنجشنبه ۲۱ بهمن ۱۳۹۵.
۳. ابتکار، معصومه. «انتشار گازهای گلخانه‌ای در کشور». روزنامه ایران تایمز، ۱۷ ژانویه ۲۰۱۴ (دی ۱۳۹۲)، صفحه اول.
۴. امین منصور، جواد (۱۳۹۰). «مدیریت موافقت‌نامه‌های محیط زیستی بین‌المللی: سیر تحولات در رژیم‌های پایبندی و اجرا»، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
۵. جلالی، خداکرم. «بحران کمیابی آب در کشور». روزنامه ایران، ۱۶ اسفند ۱۳۹۴.
۶. سیاست‌های کلی ابلاغی مقام معظم رهبری در زمینه‌های انرژی، اصلاح الگوی مصرف، اقتصاد مقاومتی و محیط زیست کشور؛ در تارنمای: <http://www.omoremajles.ir/Portal/home/?news/16862/11214/24006>
۷. روزنامه ابتکار، اطلاعیه وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، «جمعیت حاشیه‌نشین شهری در کشور»، ۳۱ مرداد ۱۳۹۵.
۸. گزارش پایگاه خبری تحلیلی زیست‌بوم، «اعتراضات به خشک شدن زاینده‌رود»، ۷ شهریور ۱۳۹۳؛ در تارنمای: <http://zistboom.com/fa/news/25222>
۹. گزارش خبرگزاری ایسنا، «تجمع اعتراض‌آمیز مردم اهواز به معضل قطع آب و برق و گردوغبار»، ۲۵ بهمن ۱۳۹۵؛ در تارنمای: <http://khouzestan.isna.ir/default.aspx?NSID=5&SSLID=46&NID=86391>

1. incremental costs
2. Principle of Common but Differentiated Responsibility

۱۰. گزارش کانون دیده‌بانان زمین، «اعتراضات به خشک شدن دریاچه ارومیه»، ۱۴ شهریور ۱۳۹۰؛ در تارنمای: <http://www.earthwatchers.org/urumieh%20lake-1390.html>
۱۱. گزارش خیرگزاری ج. ا. ایران از «توفان گردوغبار در سیستان»، ۲۴ تیر ۱۳۹۵؛ در تارنمای: <http://www.irna.ir/fa/News/82148684>
۱۲. گزارش خیرگزاری فارس از «مهاجرت گسترده مردم سیستان به استان گلستان»، ۲۲ تیر ۱۳۹۴؛ در تارنمای: <http://www.farsnews.com/printable.php?nn=1394042200007>
۱۳. گزارش بنگاه سخن‌پراکنی بی بی سی از همایش روز ملی آب در ایران، «گرفتاری‌ها و پیامدهای خشکسالی در ایران». مورخ ۱۱ اسفند ۱۳۹۵؛ در تارنمای: <http://www.bbc.com/persian/iran-39135443>
۱۴. گزارش روزنامه آسیاتایمز در مورد «اثرگذاری ریزگردها بر استان‌های کشور در سال ۱۳۹۲»، مورخ ۱۵ آبان ۱۳۹۳؛
۱۵. مصفا، نسرين (۱۳۹۰). «سازمان ملل متحد و حصول همکاریهای اجتماعی - فرهنگی بین‌المللی»، تهران: میزان.
۱۶. مصفا، نسرين؛ و امین منصور، جواد (۱۳۹۲). «نقش جمهوری اسلامی ایران در نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی»، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
۱۷. نیلی، مسعود (۱۳۹۶). «اقتصاد ایران به چه دولتی نیاز دارد؟»، اقتصاد آنلاین، مورخ ۲۷ اردیبهشت ۱۳۹۶، در تارنمای: <http://www.eghtesadonline.com>

ب) خارجی

18. Brandon, Peter S. & Patrizia Lombardi (2005). "Evaluating Sustainable Development in the built environment". (Oxford: Blackwell Science Ltd);
19. Bonn Conference on the Water, Energy and Food Energy Nexus: Solutions for the Green Economy (2011). Stockholm Environment Institute: Stockholm; available at: <http://www.water-energy-food.org>;
20. Chandler, David L. (2015). "Study: Persian Gulf could experience deadly heat". Massachusetts Institute of Technology (MIT), available at: <http://news.mit.edu/2015/study-persian-gulf-deadly-heat-1026>;
21. European Court of Human Rights (2004). "Case of Oneryildiz v. Turkey", available at: <https://hudoc.echr.coe.int/eng#%7B%22documentcollectionid%3A%22%7D>;
22. Food and Agriculture Organization (2017). "The water-food nexus: Tackling water scarcity in the context of sustainable development" during the technical briefing. (Rome and UN Headquarters in New York);
23. Inter Press Service: News and Views from the Global South (2017). 'New Evidence Confirms Risk That Mideast May Become Uninhabitable, available at: <http://www.ipsnews.net/2017/03/new-evidence-confirms-risk-that-mideast-may-become-uninhabitable/>;
24. Johannesburg Summit 2002: Iran's Country Profile, available at: <http://www.un.org/esa/agenda21/natinfo/wssd/iran.pdf>;
25. Millinium Development Goals Report 2015, New York: The United Nations, available at: http://www.un.org/millenniumgoals/2015_MDG_Report/pdf;
26. National Communication of the I.R. of Iran's Government to the United Nations Framework Convention on Climate Change (2010), second report; available at: <http://unfccc.int/resource/docs/natc/iranc2.pdf>;
27. National Reports of the Government of the Islamic Republic of Iran to the United Nations Commission on Sustainable Development (2004-2005 & 2008-2009), available at: <http://www.un.org/esa/agenda21/natinfo/countr/iran>;
28. National Sustainable Development Strategies (2017), available at: <https://sustainabledevelopment.un.org/topics/nationalsustainabledevelopmentstrategies>;
29. Ramsar Convention on Wetlands; available at: <http://www.ramsar.org/document/>;
30. Report of the World Health Organization (2016), "Air pollution levels rising in many of the world's poorest cities", available at: <http://www.who.int/mediacentre/news/releases/2016/air-pollution-rising/en/>;
31. Report of the World Commission on Environment and Development (WCED), entitled: "Our Common Future", so called: "Brutland Report" (1987), under the United Nations

- General Assembly Resolution: A/42/427 dated 4 August 1987, available at: <http://www.un-documents.net/our-common-future.pdf>;
32. Sillitoe, Paul (2014). "Sustainable Development: An Appraisal from the Gulf Region", New York and Oxford: Berghahn;
33. World Health Organization (1998). "World Health Report: Life in the 21st Century; A Vision for All", (WHO, Geneva), available at: http://www.who.int/whr/1998/media_centre/press_release/en/.

